

« تفاوت قانون جدید و قدیم چک »

و بحثی در این خصوص

چون تشخیص تفاوت‌های قانون جدید و قدیم چک و بحث مختصری در این خصوص برای ارباب احتیاج بیفایده نیست بذکر اجمالی تفاوتها و نتیجه‌ای که میتوان از توسل بقانون جدید بدست آورد میپردازم.

۱ - در قانون قدیم برای چکی که مبلغی از آن بدون محل باشد یعنی موجودی صادرکننده چک کافی برای پرداخت آن نباشد تکلیفی معین نشده بود و دارنده چک نمیتوانست از بابت وجه مبلغ چک تا میزان موجودی وصول نماید ولی در ماده ۵ قانون جدید تکلیف این امر معین شده است باین کیفیت که بابت مبلغ چک تامیزانی که حساب صادرکننده موجودی دارد پرداخت میشود و چک از طرف بانک پرداخت کننده ضبط و نسبت بمبلغی که چک بلامحل بوده است بدارنده آن گواهی میدهد که از لحاظ تعقیب کیفری یا صدور اجرائیه بمنزله اصل چک میباشد. این پیش‌بینی قانونگذار از هر جهت مفید و مناسب با احتیاجات است و نقص قانون قدیم از این لحاظ مرتفع گردیده.

۲ - بموجب تبصره ماده ۷ قانون سابق گذشت شاکی خصوصی قبل از صدور کیفرخواست مؤثر در موقوفی تعقیب بود و پس از صدور ادعانامه صلح و صرفنظر مدعی خصوصی جریان کیفری را متوقف نمی‌ساخت ولی برطبق ماده ۷ قانون فعلی که البته باطبع جرم و فلسفه وضع قانون سازگارتر است تعقیب کیفری صادرکننده چک بدون شکایت دارنده آن شروع نمیشود و در هر مرحله‌ای که باشد حتی در حین اجراء با گذشت مدعی خصوصی تعقیب امر کیفری را موقوف و منتفی میسازد و در صورت صدور حکم قطعی و گذشت شاکی خصوصی صادرکننده چک فقط محکوم به پرداخت یک پنجم مبلغ چک بعنوان جریمه بصندوق دادگستری خواهد شد.

۳ - ماده ۸ قانون سابق منظور داشتن خسارت معنوی را بمیزان ربع چک منحصر بموردی کرده بود که صادرکننده مدعی جعل چک شود و نتواند آنرا اثبات نماید ولی ماده ۸ قانون اخیرالتصویب اطلاق دارد و خسارت معنوی را شامل قسمت اخیر ماده ۳ قانون موجود یعنی دعوی گم شدن یا سرقت یا جعل چک نموده است باین توضیح که هرگاه صادرکننده مدعی مفقود شدن یا جعل یا سرقت چک شود در هر سه مورد در صورت عدم اثبات ادعا در برابر دارنده چک محکوم به خسارت معنوی خواهد شد .

۴ - در ماده ۹ قانون فعلی پیش بینی شده که صادرکننده چک میتواند با وجود دلائل موجه و تودیع وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی معادل قیمت چک جلوگیری از پرداخت وجه چک را از مقامات قضائی تقاضا نماید و در صورتیکه بعلت ادعای مجعول بودن یا گم شدن یا سرقت چک باشد و مرجع قضائی دعوی را مبتنی بر دلائل موجه تشخیص دهد میتواند تقاضا کننده را از تودیع مذکور معاف نماید .

علی الاصول برای صدور دستور جلوگیری از پرداخت چک باید بمحاکم صلاحیتدار رجوع کرد و بنظر اینجانب در این خصوص اقتضاء دارد بر طبق مواد مندرج در باب دوازدهم آئین دادرسی مدنی مربوط بدادرسی فوری بتقاضای متقاضی رسیدگی بعمل آید و قضیه حل و فصل گردد .

در این صورت بدیهی است مراعات صلاحیت ذاتی و محلی مرجع قضائی وانجام تشریفات قانونی رسیدگی از قبیل تنظیم دادخواست و پیوست کردن دلائل ضرورت دارد و بصرف آنکه در ماده ۹ تصریح بطرح دعوی و ترتیب رسیدگی نشده نمیتوان درخواست کننده را از انجام تشریفات قانونی که برای طرح و رسیدگی بامر قضائی لازم تشخیص شده معاف دانست ناگفته نماند که در باب دعوی جعل چک مرجع صلاحیتدار در حدود مقررات قوانین دادرسی و محاکم جنائی خواهند بود .

۵ - بموجب ماده ۱۲ قانون فعلی مرور زمان کیفری در موضوع صدور چک بانک ششماه مقرر گردیده و بمبداء مدت مرور زمان را تاریخ صدور چک مورد شکایت قرار داده اند .

برطبق مدلول صریح این ماده در صورتی که صادرکننده چک را میتوان مورد تعقیب کیفری قرارداد که ششماه تمام از مدت تاریخ صدور چک مورد شکایت نگذشته باشد بنابراین در صورت مشمول مرور زمان مذکور اقدام بتعقیب کیفری

قانوناً میسر نخواهد بود و فقط از نقطه نظر دعوی حقوقی وصول مبلغ چک و جبران خسارات وارد شده بدارنده آن ممکن است مرور زمان راجع بچک برحسب مورد تابع قانون آئین دادرسی مدنی و قانون تجارت خواهد بود که در اینجا مجال بحث در آن نیست.

اغلب چکهاییکه مورد اختلاف و شکایت واقع میشود بدون تاریخ صدور از طرف صادرکننده نوشته و امضاء و تسلیم میشود که دارنده آن در وقت مقرر بین طرفین یا بمیل خود تاریخ گذاشته و مورد استفاده قرار میدهد.

در چنین موردی آیا تاریخ واقعی تحریر چک را باید مبداء مرور زمان کیفری قرارداد یا تاریخی که پس از تحریر دارنده روی آن میگذارد؟
بجهاث ذیل در این موارد باید تاریخ واقعی تحریر چک را ملاک دانست و مبداء مرور زمان قرارداد نه تاریخی که برخلاف واقع روی چک از طرف دارنده آن نوشته شده است زیرا :

الف - چون بموجب قسمت اخیر ماده ۱۰۵ قانون مجازات عمومی که میگوید مبداء مرور زمان تاریخ ارتکاب جرم است و در مورد صدور چک چنانکه در ماده ۱۲ قانون چک صراحت دارد با تحریر و امضاء چک جرم واقع میشود و تاریخ صوری که روی چک بعداً نوشته میشود تاریخ ارتکاب را که همان تاریخ واقعی تحریر چک است تغییر نمیدهد بنابراین مبداء مرور زمان تاریخ واقعی تحریر موری آن.

ب گامی که قوانین صریح و روشن نباشند علی الاصول عبارات غیر صریح بنفع متهم تعبیر شود و بنابراین قاعده نیز تاریخ واقعی تحریر را باید مبداء مرور زمان ت نه تاریخ صوری را که پس از تاریخ واقعی تحریر نوشته شده است.

ج ماده ۱۱۱ قانون قدیم و ماده ۱۰۴ قانون جدید در مورد شرکتها و کلیه اشخاص حقوقی امضاء کننده یا امضاء کنندگان چک مشمول مقررات قانون چک خواهد داشت که پرداخت وجه چک مستند بفاعل آنها نباشد بنابراین دعوی عدم دخالت و سمت و اختیارات بعد از صدور چک مؤثر در رفع مسئولیت کیفری نخواهد بود.

۷ - بموجب ماده ۱۵ قانون فعلی چک کسیکه بوکالت و نمایندگی از طرف دیگری چک صادر نماید مسئولیت تضامنی در جنبه حقوقی داشته و برطبق مقررات قانون چک مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت مگر آنکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند بعمل صاحب حساب است که در این صورت مسئولیت کیفری متوجه صاحب حساب خواهد بود باین توضیح که اولاً وکیل و نماینده صادرکننده چک و صاحب حساب در هر حال مسئولیت تضامنی حقوقی در برابر دارنده چک خواهند داشت و ثانیاً مسئولیت کیفری متوجه وکیل و یا نماینده صادرکننده چک است مگر آنکه ثابت شود در نتیجه عمل صاحب حساب وجه چک پرداخت نشده که در این صورت وی قابل تعقیب کیفری است نه نماینده وکیل صادرکننده چک.

هرگاه در موقع صدور چک بوسیله وکیل یا نماینده صاحب حساب معلوم شود که موجودی در حساب نبوده آیا مسئول صاحب حساب است که موجودی نداشته یا وکیل او که بدون التفات باین امر مبادرت بصدور چک نموده است؟

در چنین فرضی مسئولیت کیفری متوجه نماینده صادرکننده چک خواهد بود نه صاحب حساب زیرا اولاً کسیکه چک را صادر و امضاء مینماید (چه اصالتاً وجه وکالتاً) باید با التفات باینکه حساب موجودی دارد چک صادر نماید و صراحت صدر ماده ۳ قانون چک مؤید این امر است و عرفاً صادرکننده چک را باید عالم برنبودن موجودی در حساب دانست مگر آنکه خلافش ثابت شود که در آن صورت مشکل بتوان وکیل و نماینده را مسئول کیفری شناخت ولی در هر حال مسئولیت تضامنی حقوقی خواهد داشت.

ثانیاً صاحب حساب که در صدور چک مستقیماً مداخله ای نداشته مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه معلوم شود مانع از وصول چک شده و یا آنکه در موقع صدور چک یا وکیل خود تشریک مساعی و دخالت داشته است.

هرچند برطبق اصول و قواعد کلی حقوقی میبایستی وکیل و نماینده را که از جانب موکل اقدامی مینماید مسئول جزائی شناخت مگر آنکه شخصاً فعل ممنوعی را مرتکب شود ولی در این مورد که اهمیت موضوع یعنی صدور چک بی محل و زیانهای ناشی از این امر قانونگذار را برآن داشته که برخلاف اصول وکیل و نماینده را از جهت حقوقی و جزائی بشناسد باید گفت اهمیت موضوع و رعایت مصلحت عمومی انحراف از اصول را ایجاب کرده است.

در این خصوص قانون سابق تعرضی نداشت و مسئول شناختن و کیل و نماینده در امر صدور چک موضوعی است که در قانون جدید چک پیش بینی شده است.

۸ - بموجب ماده ۶۶ قانون فعلی و ماده ۳۱ قانون سابق حساب صادر کننده چک مشمول قانون چک بایستی بسته شود و حساب دیگری بنام او بازگردد مگر آنکه حسن نیت خود را بشبوت رسانیده باشد.

حسن نیت پیش بینی شده در ماده ۶۶ قانون آنست که در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع از شکایت کیفری وجه چک مورد شکایت را نقداً بدارنده چک بپردازد یا در صندوق دادگستری برای پرداخت بدارنده چک تودیع نماید و موجبات قابل پرداخت شدن چک را فراهم نموده و گواهی بانک را در این خصوص بمرجع رسیدگی در ظرف ده روز فوق الذکر تسلیم نماید.

۹ - بموجب قانون سابق در صورتیکه حساب صادر کننده چک مسدود میگردد یعنی موضوع مشمول بند ب ماده ۳ قانون آن میشد جنبه کیفری بخود نمیگرفت و در قانون فعلی هم برای چنین موردی از نقطه نظر کیفری تکلیفی معین نشده است و جا داشت وقتی قانونگذار وکیل و نماینده صاحب حساب را که نبادرت بصدور چک نموده مسئول مدنی و کیفری شناخته برای چنین صورتی یعنی مسدود شدن حساب هم تکلیفی معین میکرد و چنین موردی را نیز در صورت اطلاع صادر کننده چک و مداخله وی در مسدود نمودن حساب که نتیجه آن عدم پرداخت وجه بدارنده چک است مشمول ماده ۳ و ۴ قانون چک می شناخت زیرا میان این مورد و موارد دیگر که جرم شناخته شده تفاوت فاحشی مشهود نیست بدیهی است در صورتیکه بدینوسیله وجه یا مالی از دیگری اخذ شود مواد مشمول ماده ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات عمومی خواهد بود.

۱۰ - مورد دیگری که در هیچیک از قوانین قدیم و جدید پیش بینی نشده و مربوط بسوء استفاده از صدور چک بانک میباشد آنستکه شخصی از چکیکه متعلق بخود او نبوده بنام خود استفاده کند یعنی برگ دسته چک غیر را پر کرده و امضاء نماید و بنام آنکه از خود اوست بدارنده چک بدهد و پس از مراجعه بانک معلوم شود که صادر کننده چک حسابی در بانک نداشته و چک مربوط بحساب

دیگری است - در چنین صورتی اگر بدینوسیله وجه یا مالی از کسی دریافت شود موضوع بعنوان کلاهبرداری برطبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی قابل تعقیب کیفری خواهد بود و اگر بوسیله چک مذکور وجه یا مالی از کسی حیف و میل نشده باشد عنوان کلاهبرداری مصداتی نخواهد داشت و در نتیجه صادرکننده چنین چکی قابل تعقیب کیفری شناخته نمیشود در صورتیکه هرگاه چک صادره از دسته چک متعلق بصادر کننده بود بموجب قانون چک صرف صدور آن در صورت عدم وصول ولو متضمن حیف و میل وجه از مال غیر نباشد بموجب ماده ۳ و ۴ قانون چک جرم شناخته شده است در صورتیکه فلسفه جرم شناختن کشیدن چک بی محل در این مورد هم وجود دارد بنابراین قانون فعلی که با مطالعات ودقت زیاد نوشته شده و بتصویب رسیده است از این قبیل نقص ها دارد و بنظر اینجانب ضروری است که وزارت دادگستری در یکی از فرصت های قانون نویسی بتکمیل قانون چک اقدام نماید .

مسئولیت مدنی ناشی از صدور چک

ماده ۱ و ۲ قانون فعلی چک و مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ قانون سابق چک را در عداد اسناد رسمی لازم الاجراء شناخته که دارنده آن در صورت عدم پرداخت میتواند با مراجعه باجراه ثبت ورقه اجرائیه صادر نماید .

فرق فاحشی که میان قانون فعلی و قانون سابق وجود دارد از این قرار است :

اول - در ماده ۱ قانون سابق عنوان شده است که (هرگاه پرداخت وجه چک بعلت نبودن محل یا هر علتی که مربوط بعمل صادرکننده باشد . . . الخ) و در واقع علل دیگر جز بلامحل بودن حساب اگر منستب بفعل صادرکننده بود دارنده میتواند بعنوان سند رسمی از آن چک استفاده نماید و هرگاه علل دیگر غیر از بدون محل بودن چک بستگی بعمل صادرکننده نداشت استفاده از آن بعنوان سند رسمی ممکن نبود ولی بموجب قانون فعلی که در ماده اول آن متذکر است بهر علتی که منتهی به برگشت چک وعدم پرداخت آن شود دارنده میتواند بعنوان سند رسمی از آن استفاده کند ولو آنکه عدم پرداخت منتسب بفعل صادرکننده نباشد .

دوم - در قانون سابق اگر کسی وکالتاً و بنمایندگی صاحب حساب چکی صادر مینمود مسئولیتی نداشت و موکل او یعنی صاحب حساب وکیل مسئول بود

ولی بموجب ماده ۱۵ قانون جدید و کیل و نماینده‌ای که وکالتاً چک صادر کرده شخصاً و باتفاق صاحب حساب مسئولیت تضامنی پرداخت وجه چک را دارند و اجرائیه علیه و کیل صادرکننده چک و صاحب حساب هر دو متضامناً صادر و اجراء میشود.

چنانکه فوقاً اشاره شد علی‌الاصول و در عرف قانون گذاری و قضا معمول نیست که وکیل را بعنوان وکالتی که انجام داده مسئول آن دانست ولی مصلحت کلی در امر چک اتخاذ چنین قاعده‌ای را تجویز کرده است.

۱۱ - در ماده ۱۷ قانون فعلی چک در صورت مجهول‌المکان بودن صادر کننده چک و اخطار مندرج در قسمت اخیر ماده ۶ قانون چک بنشانی بانکی متهم ابلاغ شده باشد رسیدگی بدون لزوم احضار متهم بوسیله مطبوعات انجام میشود. در قانون سابق موضوع ماده ۱۷ پیش‌بینی نشده بود.

نقص موجود

بنظر اینجانب نقصی که در قانون سابق چک وجود داشته و در قانون فعلی نیز همچنان باقی است و رفع نشده دو موضوع میباشد:

یکی در مورد مسدود بودن حساب میباشد یعنی هنگامی که بجهتی از قبیل عدم وجود موجودی و گذشت مدت معینی که بانک مقرر داشته و یا آنکه بانک بمناسبتی حساب را مسدود کرده باشد که در چنین موردی هرگاه چکی صادر شود نه در قانون سابق و نه در قانون فعلی جرم شناخته نشده است و از لحاظ جنبه کیفری قابل تعقیب نمیشود زیرا در قانون سابق چنین موردی را که در بند ب ماده ۳ پیش‌بینی شده است مشمول ماده ۷ از قانون قرار نداده و در نتیجه همچو موردی جرم شناخته نشده است و ماده ۳ قانون فعلی هم صدور چک از حسابی که مستقیماً از طرف بانک بجهتی مسدود شده باشد جرم ندانسته چه آنکه در ماده ۳ صدور چک که مبلغ آن کمتر از موجودی و اعتبار صادرکننده باشد و یا تمام و یا قسمتی از وجهی را که باعتبار آن چک صادر شده صادرکننده بصورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چکی را که صادر کرده ببانک بدهد و ثانیاً تنظیم چک بصورتیکه بانک بعللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در سدرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه آن خودداری نماید جرم

شناخته شده است که مسدود بودن حساب بکیفیت مذکور از آن جمله نیست بنابراین نفس صدور چک از حساب مسدود شده جرم شناخته نشده و این خود نقصی فاحش در قانون چک میباشد و حال آنکه فلسفه جرم شناختن چک بی اعتبار در این مورد نیز صادق است .

نقص دیگر که هم در قانون سابق و هم در قانون فعلی چک وجود داشته و دارد موردی است که صادرکننده چکی بنام و با امضاء خود از دسته چک متعلق بحساب دیگری صادر نماید که این مورد را نیز نمیتوان بموجب ماده ۳ قانون جرم شناخت و قابل تعقیب دانست مگر آنکه بوسیله صدور چنین چکی صادرکننده مال یا وجهی از دیگری تصاحب نماید چنانکه مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی گردد و در این مورد نیز قانون چک ناقص است و اقتضاء دارد در فرصت مناسب رفع نقص بعمل آید و قانون اصلاح شود یعنی صرف صدور چک را در مورد مذکور جرم تشخیص و مشمول ماده ۴ قانون چک نمایند .

۱۲ - تفاوت دیگر قانون جدید و قدیم آنستکه در قانون جدید بجای

ارسال اظهارنامه صدور اخطار از مراجع قضائی پیش بینی شده است .